



را به وضع کنونی با این شدت بالای درگیری و نیز تغییرات جزئی در سیاست کلیشان را به هر گونه تغییر عمده ترجیح دهند.

❖ اسرائیل: امتیاز نظامی، فلج سیاسی

❖ اقدامات اسرائیل بوده که واقعت‌ها را در غزه، لبنان، سوریه و ایران تغییر داده است؛ اما در اسرائیل هم معلوم نیست نتانیاهو حاضر باشد یا بتواند اقدامات نظامی اش را به پیروزی‌های سیاسی تبدیل کند، یا معلوم نیست آیا اسرائیل را میان جدالی با پایان باز محصور کرده یا نه. پیروزی در صلح معمولاً به همان سختی پیروزی در جنگ است یا حتی سخت‌تر. ایالات متحده در بعد از پیروزی‌های نظامی اولیه‌اش در افغانستان و عراق این را دریافت؛ اما گذار از پیروزی جنگی به ایجاد صلح و پیروزی در آن، نیاز به تعهدی عمیق و دقیق دارد که نتانیاهو علاقه شدیدی در این زمینه نشان نداده است.

❖ غزه: جنگی بدون پایان قابل اجرا

دو سال پس از شروع درگیری، تعریف حد اکثری از هدف ناپودی حماس این معنا را ایجاد کرده که تا وقتی یک مبارز حماس برپا یا مخفی باشد، هدف اسرائیل محقق نشده و جنگ باید ادامه یابد. این نعتنها به حماس راه بسیار آسانی می‌دهد که اعلام «پیروزی مقاومت» کند، بلکه نتانیاهو را هم درگیر جنگی در غزه کرده که به نظر ابدی می‌آید. نتانیاهو توانایی این را ندارد که «پیروزی را بپذیرد» یا آن را نوعی ترتیبات پس از جنگ به «پیروزی در صلح» تبدیل کند. دلیل اصلی هم به نظر این است که هر نوع پایان جنگ که در آن حماس حتی اسماً بر جامانده باشد، باعث خروج شرکای راست افراطی او از ائتلاف، سقوط دولتش و احتمالاً پایان عمر سیاسی او خواهد بود. این شامل پاسخگویی بابت ناکامی‌ها در هفت اکتبر و در دس‌های احتمالی قضایی هم می‌شود.

هزارگانهی صحبت‌ها دوباره شروع می‌شوند؛ با متوقف می‌شوند، صحبت‌ها برای اینکه لااقل آتش‌بسی موقت و تبادل زندانی انجام شود اما جنگی که در غزه جاری است، در معرض ورود به سومین سال خود است، با ویرانی، مرگ و رنج سنگین برای مردم فلسطین و ادامه حضور گروگان‌های اسرائیل. ادامه جنگ هم به این معناست: تبعات مهمی هم که صلح می‌تواند داشته‌باشد، یعنی پیشرفت توافق آمریکا-عربستان-اسرائیل که شامل عادی‌سازی اسرائیل و عربستان هم می‌شود، باید برای همیشه به تعویق بیفتد. این مسئله برای امنیت و پیشرفت اسرائیل بسیار اساسی اما به نظر نتانیاهو نمی‌تواند دستاوردهای نظامی را به پیشرفت‌های سیاسی تبدیل کند. در واقع، سخت بتوان درباره اهمیت پایان دادن به جنگ در غزه افرای کرد، پایان به شکلی که چرخه خشونت را متوقف کند و شرایط را برای ترتیبات صلح‌آمیز و مطمئن هم در این نقطه و هم در منطقه فراهم کند. این وضعیت بحرانی جدید در غزه شروع شد و کاهش تنش منطقه‌ای و برقراری صلح هم باید از همان غزه آغاز شود.

❖ دمدمی مزاجی در شامات

❖ لبنان: توافق سخت و بازسازی کشور

دمدمی مزاجی اسرائیل در لبنان هم آشکار است. بعد از حملات اسرائیل به حزب الله، تغییر رژیم در سوریه و بالا آمدن رهبران ملی گرا در لبنان، منجر به امضای توافقی ترک مخاصمه با وساطت آمریکا در نوامبر گذشته شد. اولین مرحله توافق از حزب الله می‌خواست کنترل منطقه جنوب رود لیطانی را به ارتش لبنان و نیروهای موقت سازمان ملل در لبنان یا یونیفل بسپرد و در مقابل اسرائیل از این منطقه عقب بنشیند. در اختیار گرفتن منطقه از سوی ارتش لبنان و یونیفل با سرعت پیش می‌رود و حزب الله هم تا حد زیادی به شرایط این مرحله اول پایبند بوده. اسرائیل از بیشتر مناطق جنوب لبنان خارج شده اما با نقض توافق، اشغال را در پنج نقطه ادامه داده و تقریباً هر روز به سمت لبنان حمله می‌کند. اسرائیل برای این نقض توافق دلایل امنیتی می‌آورد اما چالش اینجاست که اقدامات اسرائیل، مستقیماً موضع دولت لبنان را در مقابل مردمش و پیروان حزب الله تضعیف می‌کند؛ موضعی که می‌گوید این دولت می‌تواند با دیپلماسی و حضور ارتش امنیت بلندمدت را تأمین کند. حزب الله در مقابل می‌گوید این حملات یعنی دولت نمی‌تواند چنین کند و لااقل در شمال لیطانی، حزب الله باید مسلح بماند. معلوم نیست هدف اسرائیل در لبنان مثل آمریکا و در جهت استفاده از تغییرات در مسیر کنارت رفتن گروه‌های شبه‌نظامی مسلح و روابط عادی با دولت لبنان باشد. می‌توان چنین تصور کرد که هدف، حذف حضور مسلحانه و آزادی عمل نظامیان اسرائیل در لبنان به صورت بلندمدت است، حتی به هزینه ممانعت از جایگیری دولت مستقل؛ اما تحقق این نتیجه شرایط را برای بازیگران غیردولتی آماده می‌کند که به رشد ادامه دهند. در واقع چنین سؤالی را درباره اهداف اسرائیل در کلیت منطقه هم می‌توان پرسید. ایالات متحده، لبنان و اسرائیل همه در پیاده‌سازی کامل توافق شامل پیاده‌سازی قطعه‌ها ۱ و ۱۷۰ شورای امنیت سازمان ملل متحد و دیگر توافقات هم می‌شود.

❖ سوریه: رژیم سقوط کرده و گذار پر مناقشه

سیاست اسرائیل در سوریه هم همین قدر پیچیده و اغلب متناقض است. نتانیاهو مدعی سهمی، لااقل غیر مستقیم در سقوط رژیم اسد است اما هم‌زمان نسبت به گروه اسلام‌گرای تندرو که قدرت را به دست گرفته هم نگران است. اسرائیل برای دهه‌ها هم‌زیستی ناآرامی با دولت اسد داشت، اما در طول چند روز پس از سقوط او، نتانیاهو دستور داد بیشتر نیروهای مسلح سوری نابود شوند و هجومی زمینی را هم آغاز یسد. در روزها و هفته‌های اخیر، او حفاظت از دروزی‌ها در جنوب سوریه را دلیل بمباران وزارت دفاع سوریه و اهدافی بسیار نزدیک به کاخ ریاست جمهوری در سوریه کرد. به رغم ملاحظات و دغدغه‌های بسیار، ایالات متحده و بیشتر شرکای منطقه‌ای از رهبر جدید

سوریه حمایت کردند و چنین نتیجه گرفتند که او نمایانگر بهترین فرصت برای این کشور جنگ‌زده است که روبه‌آینده پیش برود؛ اما به نظر می‌رسد اسرائیل در جهت دیگری حرکت می‌کند و تلاش می‌کند تضمین کند این گذار، لااقل با الشرع، موفق نمی‌شود و سوریه همچنان کشوری شکست‌خورده و قلمروی متفرق باقی می‌ماند. دمشق هم کاملاً روشن کرده که مایل است، ترتیباتی غیرتهاجمی با اسرائیل بچیند و در نهایت گزینه صلح را بررسی کند. اینجا هم سؤال این است: آیا نتانیاهو می‌خواهد رفتن رژیم اسد و بیرون رفتن ایران از سوریه را به اهرمی تبدیل کند و مشوق ظهور کشوری با ثبات و متحد شود یا هدف اولیه‌اش حفظ حضور نظامی بدون محدودیت و بلندمدت و آزادی عمل در سوریه است، حتی اگر نتیجه‌اش ادامه‌ی بی‌ثباتی و درگیری باشد.

در واقع، مخاطره در سوریه بسیار بالاست. کشورهای عرب حاشیه خلیج [فارس]، ترکیه، اروپا و ایالات متحده مسیری را از الشرع خواسته‌اند و خود او هم علناً از همین مسیر سخن گفته، حتی اگر طرفداران تندرو او مکرراً در جهت خلاف این مسیر حرکت کنند. اگر الشرع به این مسیر پایبند بماند، سوریه می‌تواند نقطه عطفی شود برای خاورمیانه‌ای که روز به روز یکپارچ‌تر و با ثبات‌تر شود؛ اما اگر گذار سوریه شکست بخورد، این کشور می‌تواند به ورطه سرنوشتی بیفتد، حتی بدتر از آنچه با ادامه رژیم اسد تصور می‌شد. این ممکن است شامل جنگ فرقه‌ای و قومی خارج از کنترل در سوریه شود و درگیری‌هایی که اقلیت‌ها و دیگر جوامع را نه فقط در سوریه که در لبنان هم گرفتار کند و به دام بیاورد. ناکامی گذار ممکن است برای ایران منفعت داشته باشد و ایران دوباره بتواند جای پایی برای بیاورد، اما اسرائیل نباید چنین نگاهی داشته باشد. حکومت تحت رهبری الشرع، سال‌ها با آنچه باید فاصله دارد و باید بابت حملات و گاهی کشتار غیرنظامیان در دوران صدارتش پاسخ‌گو باشد اما سرمایه‌گذاری نتانیاهو در فروپاشی سوریه و ناکامی گذار، سیاست غلطی است.

نتانیاهو تعادل قدرت منطقه را تغییر داده اما از این استفاده نکرده که مسیری طرح‌ریزی کند، به سمت آینده سیاسی پایدار. برای فلسطینی‌های غزه، کرانه باختری و اورشلیم شرقی

[بیت المقدس شرقی] پیشنهاد او و مسیری که بر اجرایش نظارت کرده، باز هم درگیری با پایان باز، اشغال و آوارگی بیشتر است، بدون هیچ سناریویی که در آن حکمرانی و هم‌زیستی سیاسی پایدار در کار باشد. درباره ایران، او هیچ توافقی را نمی‌خواهد، بنابراین مسیر پیش رو درگیری نظامی با پایان باز است. درباره لبنان و سوریه، برخی سیاست‌های او کار دولت‌ها برای احیای خود را بسیار سخت‌تر می‌کنند. در «توافق قرن» واقعی، یعنی توافق بین ایالات متحده، عربستان سعودی و اسرائیل هم فرصت‌های بسیاری هست اما نتانیاهو همچنان به نظر برای تحقق این موضوع بی‌میل یا ناتوان است.

❖ چالش آمریکا

اتفاقات پس از ۱۷ اکتبر تغییر قابل توجهی در شرایط خاورمیانه ایجاد کرده‌اند. این فرایند برای سیاست‌گذاران ایالات متحده، هم سختی‌های تازه آفریده و هم فرصت‌های جدید. رئیس‌جمهور ترامپ مکرر نشان داده ترجیح می‌دهد این مسیرهای تازه به سوی اتمام جنگ‌ها را بی‌بگیرد و توافقات ماندگار امضا کند. ترکیه و کشورهای مهم عربی هم با آمریکا هم‌نظرند. نتانیاهو اکنون در حال حرکت به سمت صلح و یکپارچگی نیست. ایالات متحده فرصتی هر چند گذرا دارد که به روندها شکل مثبت‌تری بدهد.

ترامپ وقتی بخواهد می‌تواند در نقش مؤثرترین بازیگر خاورمیانه قرار بگیرد. او و نبیش باید در ماه‌های آینده از جنگ‌های دارای پایان باز دور شوند و به سمت راه‌حل‌های ماندگار برای غزه و مسئله فلسطین بروند. توافقی برای مدیریت چالش برنامه هسته‌ای ایران دست‌وپا کنند، عادی‌سازی اسرائیل و عربستان سعودی را که شامل امتیازات قابل توجه و آینده‌ای مثبت برای فلسطینی‌ها هست، حاصل کنند و در شامات هم با حمایت از ظهور دولت‌های مستقل در سوریه و لبنان، به جای تخریب آن‌ها، ثبات ایجاد کنند. رهبری ایالات متحده کمک خواهد کرد که مشخص شود آیا سال ۲۰۲۵، نقطه عطفی دیده خواهد شد که اجازه داده نظمی با ثبات‌تر، امن‌تر و کامیاب‌تر به منطقه ایجاد شود یا این که صرفاً سومین سال درگیری مسلحانه دیگری مداوم و چندجبهه‌ای در فلسطین خواهد بود.

حوزه ثبت ملک زیبادشت تهران -آگهی فقدان سند مالکیت شش‌دانگ پلاک ثبتی ۳۶۳ فرعی از ۱۹- اصلی

با شماره مستند مالکیت ۲۴۳۱۲ تاریخ ۰۹/۰۲/۱۳۸۲ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۹۳ شهر تهران استان تهران، موضوع سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۴۹۶۹۴۳ سری - سال ه ثبت گردیده است. مالکیت پریسا/ حسنی فرزنده شماره شناسنامه ه تاریخ تولد - دارای شماره ملی - با جز سهم ۵ ه از کل سهم ۶ به عنوان مالک پنج دهم دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۲۴۳۱۲ تاریخ ۰۹/۰۲/۱۳۸۲ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۹۳ شهر تهران استان تهران، موضوع سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۴۹۶۹۴۳ سری - سال ه ثبت گردیده است. مالکیت فاطمه / اخگر فرزنده ه شماره شناسنامه ه تاریخ تولد - دارای شماره ملی - با جز سهم ۵ ه از کل سهم ۶ به عنوان مالک پنج دهم دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۲۴۳۱۲ تاریخ ۰۹/۰۲/۱۳۸۲ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۹۳ شهر تهران استان تهران، موضوع سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۴۹۶۹۴۳ سری - سال ه ثبت گردیده است. مالکیت زهرا/ اخگر فرزنده ه شماره شناسنامه ه تاریخ تولد - دارای شماره ملی - با جز سهم ۵ ه از کل سهم ۶ به عنوان مالک پنج دهم دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۲۴۳۱۲ تاریخ ۰۹/۰۲/۱۳۸۲ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۹۳ شهر تهران استان تهران، موضوع سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۴۹۶۹۴۳ سری - سال ه ثبت گردیده است. مالکیت ابراهیم/ اخگر فرزنده ه شماره شناسنامه ه تاریخ تولد - دارای شماره ملی - با جز سهم ۵ ه از کل سهم ۶ به عنوان مالک پنج دهم دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۲۴۳۱۲ تاریخ ۰۹/۰۲/۱۳۸۲ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۹۳ شهر تهران استان تهران، موضوع سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۴۹۶۹۴۳ سری - سال ه ثبت گردیده است. مالکیت حسین/ اخگر فرزند محمد شماره شناسنامه ۲۵۶۱۴ تاریخ تولد ۰۳/۰۶/۱۳۴۶ صادره از تهران دارای شماره ملی ۰۳۶۰۳۷۸۶ به جز سهم ۵ ه از کل سهم ۶ به عنوان مالک پنج دهم دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۲۴۳۱۲ تاریخ ۰۹/۰۲/۱۳۸۲ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۹۳ شهر تهران استان تهران، موضوع سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۴۹۶۹۴۳ سری - سال ه ثبت گردیده است. مالکیت مهتاب/ اخگر فرزند امیر شماره شناسنامه ه تاریخ تولد ۰۸/۰۶/۱۳۸۰ صادره از تهران دارای شماره ملی ۰۲۴۶۴۶۸۹۷۳ به جز سهم ۵ ه از کل سهم ۶ به عنوان مالک پنج دهم دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان متن سهم: شش دانگ با شماره مستند ۳۷۸۵۵ تاریخ ۰۵/۰۵/۱۳۹۳ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۹۳ شهر تهران استان تهران، ثبت گردیده است. لذا با توجه به اعلام نامبرده و فقدان سند مالکیت به علت اثاث‌کشی و درخواست صدور سند مالکیت المثنی، در اجرای تبصره یک ذیل ماده ۱۲۰ آیین‌نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می‌شود تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به ملک مرقوم غیر از اسناد فوق و یا وجود سند مالکیت مذکور نزد خود باشد از تاریخ نشر این آگهی ظرف مدت ۱۰ روز به این منطقه مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم و رسید دریافت نماید تا مورد رسیدگی قرار گیرد. به اعتراض بدون ارائه اصل سند مالکیت ترتیب اثر داده نخواهد شد. پس از انقضای مهلت مزبور و نرسیدن واخواهی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی طبق مقررات اقدام خواهد شد.

محمدعلی ابراهیمی- سرپرست واحد ثبتی ملک زیبادشت تهران از طرف علیرضا عزیزی

دیپلمات‌ها



سفر مقام آژانسی به ایران در ۱۰ روز آینده

سخنگوی وزارت خارجه با بیان اینکه «مکلفیم بر مبنای مصوبه مجلس تعاملات خود را با آژانس تنظیم کنیم» از سفر مقام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به ایران کمتر از ۱۰ روز آینده خبر داد و تأکید کرد: «هر طرحی که بتواند حق غنی‌سازی ایران را تأمین کند قابل بررسی است.» اسماعیل بقایی با بیان اینکه «در حال حاضر هیچ بازرسی از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ایران حضور ندارد»، اظهار کرد: «طبعاً همکاری ایران با آژانس باید طبق آخرین مصوبه مجلس شورای اسلامی تنظیم شود و دولت و وزارت خارجه خودشان را مکلف می‌دانند که بر مبنای این مصوبه تعاملات خود را با آژانس تنظیم کنند.» وی همچنین با بیان اینکه «ما گاربه و اعتراضات خود را به عملکرد سیاست‌زده آژانس خیلی روشن بارها و به کرات اعلام کردیم» گفت: «ما همچنان عضو معاهداتی همچون معاهده منع اشاعه هسته‌تیم و ایران به عنوان یک کشور مسئولیت‌پذیر تا زمانی که در این معاهدات حضور دارد به اسناد مربوط به آن پایبند است.» بقایی همچنین گفت هنوز زمان مشخصی برای دور بعدی گفت‌وگو با تروئیکاای اروپایی تعیین نشده است.



همه چیز را به مذاکره گره نزنیم

کاظم غریب‌آبادی، معاون حقوقی و بین‌الملل وزارت امور خارجه گفت: «درست است که در جهانی زندگی می‌کنیم که زیرساخت‌های اقتصادی و فعالیت‌های اقتصادی و تجاری به هم پیوسته است و کشورها باید با یکدیگر تعامل کنند اما ظرفیت‌های بسیاری به‌ویژه با همسایگان و فرا همسایگان وجود دارد.» معاون وزیر خارجه تأکید کرد: «هم‌اکنون ما تحت تحریم هستسیم، اما همچنان فعالیت‌های اقتصادی و تجاری خود را انجام می‌دهیم و فروش نفت خود را داریم. آن‌ها می‌خواستند فروش نفت ما را به صفر برسانند، اما نتوانستند. چرا که ظرفیت‌های مختلفی وجود دارد. ما نباید تمام مقدرات کشور را به مذاکره گره بزنیم.» وی خاطرنشان کرد: «اگر از طریق مذاکره توانستیم تحریم‌ها را رفع کنیم، خیلی هم عالی است و این اقدام بدی نیست و باید این کار را انجام دهیم. اما اگر آن‌ها خواستند از بستر مذاکره سوءاستفاده کنند، طبیعتاً نباید همه چیز را به مذاکرات گره بزنیم.»



دیدار با دبیرکل سازمان ملل در ترکمنستان

معاون اول رئیس‌جمهور برای شرکت در سومین کنفرانس کشورهای در حال توسعه محصور در خشکی به کشور ترکمنستان سفر کرد. بناس‌ت محمدرضا عارف علاوه بر سخنرانی در این کنفرانس، دیدارهای دوجانبه‌ای نیز با تعدادی از مقامات کشوهرای شرکت کننده در این اجلاس داشته‌باشد. گفتنی است این اجلاس تحت‌نظارت سازمان ملل متحد برگزار می‌شود. معاون اول رئیس‌جمهور، پیش از عزیمت به ترکمنستان گفت: «در حاشیه این کنفرانس نیز دیداری با دبیرکل سازمان ملل خواهم داشت. با آقای آنتونیو گوتش ملاقاتی خواهم داشت. مسائل مورد نظر در منطقه و در دنیا و نگاهی که ما به سازمان ملل داریم را با ایشان مرور خواهیم کرد. با مسئولان ارشد کشور ترکمنستان دیدار خواهیم داشت. بر اساس زمان‌آمیودارم بتوانیم با تعدادی از سران که از کشورهای دیگر در این همایش شرکت می‌کنند، مذاکراتی در جهت مسائل دوجانبه و چندجانبه‌داشت‌باشیم.»